

مطالعه اکتشافی ابعاد، ویژگی‌ها و عوامل درگیر طلاق در شهرستان زاوه: یک مطالعه داده بنیاد
Exploratory study of dimensions, characteristics and factors involved in divorce in
Zaveh city: A grounded theory study

Aliyeh Eskandari

MA Student in General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Dr. Hadi Bahrami Ehsan

Professor, Department Of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Dr. Zoha Hajiha *

Assistant Professor, Department Of Clinical Psychology, School Of Behavior Sciences, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. Zo.hajiha@uswr.ac.ir

Fatemeh Fayyaz

Department of psychology, women research center, Alzahra University, Tehran, Iran.

عالیه اسکندری

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر هادی بهرامی احسان

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر ضحی حاجیها (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.

فاطمه فیاض

گروه روانشناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Abstract

This research was conducted with the aim of examining the factors and consequences of divorce in Zaveh County during the years 1401-1402. Considering the increasing divorce rates and the high ranking of this county in early marriage and motherhood, studying the factors influencing this phenomenon is essential. The research was descriptive-qualitative and was conducted based on the grounded theory approach. Participants included 10 divorced individuals (5 women and 5 men) and 5 officials related to the divorce process, who were selected through theoretical purposive sampling from among the clients of the Relief Committee and the Welfare Organization. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using Strauss and Corbin's (1990) coding method. The findings showed that divorce is influenced by various factors, categorized into several main themes: Preconditioning factors: Vulnerable families, unemployment, job migration, lack of counseling, cultural factors. Intervening conditions: Inappropriate employment and unemployment, negative peer influence, interference from relatives, children, societal attitudes, inappropriate premarital acquaintance, lack of awareness and readiness for marriage, family ignorance and dysfunction. Causal conditions: Addiction, infidelity, early marriage and motherhood, violence, poor marital communication, abandonment, financial inability, physical illness. Strategies and consequences: Individual, familial, and social effects (both adaptive and maladaptive). This model can be effective in developing educational and structural strategies to reduce divorce in Zaveh.

Keywords: Grounded Theory Study, Divorce, Zaveh.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل و پیمدهای طلاق در شهرستان زاوه طی سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. با توجه به افزایش آمار طلاق و رتبه بالای این شهرستان در همسری و مادری زودهنگام، مطالعه عوامل مؤثر در این پدیده ضروری است. پژوهش از نوع توصیفی-کیفی بوده و بر اساس نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۰ فرد مطلقه (۵ زن و ۵ مرد) و ۵ مسئول مرتبط با فرایند طلاق بودند که به روش نمونه‌گیری نظری هدفمند از میان مراجعان کمیته امداد و بهزیستی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش کدگذاری اشتراک و کوربین (۱۹۹۰) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که طلاق تحت تأثیر عوامل مختلف دسته‌بندی شده در قالب چند تم اصلی قرار دارد. شرایط بسترساز: خانواده آسیب‌پذیر، بیکاری، مهاجرت شغلی، کمبود مشاور، عوامل فرهنگی. شرایط مداخله‌ای: اشتغال نامناسب و بیکاری، رفیق ناباب، دخالت اطرافیان، فرزندان، نگرش اطرافیان، آشنایی نامناسب قبل از ازدواج، عدم آگاهی و عدم آمادگی ازدواج، ناآگاهی و ناکارآمدی خانواده. شرایط علی: اعتیاد، خیانت، همسری و مادری زودهنگام، خشونت، ارتباط زوجی نامناسب، ترک منزل، ناتوانی در تأمین مخارج، بیماری جسمی. راهبردها و پیامدها: اثرات فردی، خانوادگی و اجتماعی (سازگار و ناسازگار). این مدل می‌تواند در تدوین راهبردهای آموزشی و ساختاری برای کاهش طلاق در زاوه مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: مطالعه داده بنیاد، طلاق، زاوه.

مقدمه

جامعه بیش از مجموعه از افراد است (کاراکاس و ولابی^۱، ۲۰۲۳) و یک واحد عاطفی است که با پیوند زناشویی زن و مرد شکل می‌گیرد (آسپارا و ویتکوسکی^۲، ۲۰۱۸). بنای یک خانواده بر پیوندهای عاطفی و اعتماد شخصی هر یک از زوجین به یکدیگر استوار است که نه تنها موجب آرامش برای فرد بلکه برای کل یک خانواده است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زن و مرد باوجود اینکه در جهت انجام دقیق وظایف خود تلاش می‌کنند، به‌مرور زمان عشق و علاقه بین آن‌ها کمرنگ‌تر شده و گاهی به‌طور کامل محو می‌شود و زوجین بدون هیچ‌گونه احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم به‌طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می‌دهند (آتان و بولوس^۳، ۲۰۱۹). تفاوت در نگرش‌ها، باورها و انتظارات مربوط به رابطه زناشویی ممکن است منجر به عدم تعادل در روابط زناشویی شود (الشهرانی و حامد^۴، ۲۰۲۳). طلاق اغلب به عنوان یک انتقال مهم و پر استرس زندگی در نظر گرفته می‌شود (پلن الکسپرو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴) که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زندگی زناشویی زوج‌ها و خانواده و جامعه اثرات منفی متعددی دارد. این آثار و پیامدها نه تنها عوارضی را برای زنان و مردان دربر دارد؛ بلکه برای فرزندان نیز پیامدهای غیرقابل جبرانی را سبب می‌شود (دی آندا^۶ و همکاران، ۲۰۲۱).

بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده علل و عوامل طلاق عبارت‌اند از: مهارت‌های ارتباطی ضعیف (کاراکاس و ولابی، ۲۰۲۳)، نگرش مثبت به طلاق (دکونیک^۷ و همکاران، ۲۰۲۰)، طلاق والدین و پایین بودن سن ازدواج (آدگوک^۸، ۲۰۱۰)، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر (ادواردز^۹ و همکاران، ۲۰۱۸)، تعداد ساعات کاری زنان در بیرون از خانه و میل آنان به استقلال اقتصادی (نلی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳؛ پارکر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲؛ آلول^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۰)، مسائل و مشکلات جنسی (مصدق^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۳)، رسانه مخرب (الخطیب و همکاران، ۲۰۲۳)، سبک دل‌بسته‌نایمن (مهندس^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۳)، خیانت زناشویی (آلتوپولد^{۱۵}، ۲۰۱۸) و بیماری‌های روانی جسمانی و اختلالات شخصیتی (هالد^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۳؛ پلن الکسپرو و همکاران، ۲۰۲۴). طلاق برای هر دو شریک و فرزندان نتایج گوناگونی مانند روان ناسالم، مشکلات روان‌شناختی و هیجانی، به همراه دارد (توسی و ون دن بروک^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ کانتر و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۹). دامنه اثرات مخرب طلاق بر فرزندان به حدی است که فرزندان دارای تجربه طلاق والدین را، قربانیان بی‌وکیل می‌نامند (استوکپیک^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۹). دیوید^{۲۰} (۲۰۲۲) معتقد است که پایان ازدواج باعث افزایش بروز اختلالات روانی تازه تشخیص داده‌شده یا تسریع عود در بین افرادی با تشخیص قبلی می‌شود (اسموک و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۳).

برخی از نظریات به تبیین فرایندی طلاق و مراحل گذر از آن اشاره دارد. نظریه طلاق ویسمن^{۲۲} (۱۹۷۵) برای سپری شدن طلاق عبور از ۶ مرحله موازی طلاق عاطفی، طلاق قانونی، طلاق اقتصادی، طلاق هم‌والدی، طلاق اجتماعی، طلاق روانی را لازم می‌داند؛ و نظریه تحلیلی کسler^{۲۳} (۱۹۷۵) هفت مرحله هیجانی (آگاهی اولیه افول علاقه، تقلیل روابط زن و شوهر، کناره‌گیری، جدایی فیزیکی و جسمی، مرحله ماتم و مرحله آگاهی و بیداری ثانویه و مرحله کشف خود) که برای وقوع طلاق باید سپری کنیم را تبیین می‌کند. نظریه دلبستگی در طلاق^{۲۴} (لیندبرگ^{۲۵}، ۲۰۱۰) نیز به تأثیری که طلاق به علت فقدان یکی از والدین بر کودک می‌گذارد و در مواجهه و سبک دلبستگی او در آینده اثرگذار است، می‌پردازد. نظریه کنش متقابل نمادین (بارکر^{۲۶}، ۲۰۱۵). بیان می‌کند که روابط درون خانواده معنا ساز روابط زناشویی است و میزان تقویت و تنبیه روابط درون خانواده از طرف هر زوج زمینه‌ساز ثبات خانواده است. در نظریه دو مؤلفه‌ای روان‌شناختی جامعه‌شناختی طلاق، رفتار زوجین

1 Karaagac, & Owolabi

2 Aspara, & Witkowski

3 Atun, & Buluş

4 Al-Shahrani, & Hammad

5 Pellón-Elexpuru

6 De Anda

7 De Coninck

8 Adegoke

9 Edwards

10 Nelli

11 Parker

12 Alola

13 Mosadegh

14 Mohandes

15 Leopold

16 Hald

17 Tosi & van den Broek

18 Kante

19 Stokkebekk

20 David

21 Smock

22 Wiseman

23 Kessler

24 Attachment theory

25 Lindberg

26 Barker

متأثر از سه عامل ارزیابی زن و شوهر از زیان-فایده‌ی ارتباط، چارچوب اسناد دهی زن و شوهر، میزان تلاش هر کدام از زوجین برای حفظ زندگی در قیاس با رفتار زوج مقابل می‌باشد. نظریه اقتصادی نظریه گری بکر^۱ اعتقاد بر این دارد که فرد به دنبال همسری است که رفاه او را به حداکثر برساند و طلاق زمانی اتفاق می‌افتد که سود حاصل از طلاق از ازدواج بیشتر باشد و سرمایه قبل از ازدواج اثری در طلاق ندارد اما سرمایه حاصل از ازدواج یعنی فرزندان ثبات زندگی را افزایش می‌دهد همچنین باوجود اینکه عایدی ازدواج رابطه مثبتی با درآمد دارد نوسان‌های درآمدی، خطر طلاق را افزایش می‌دهد.

با توجه به افزایش طلاق در کشور و کمبود پژوهش در این زمینه، مطالعه علل و راهکارهای کاهش آن ضروری است. طلاق پدیده‌ای فرهنگی است و بررسی آن باید متناسب با فرهنگ هر منطقه انجام شود. در شهرستان زاوه، آمار نشان‌دهنده افزایش طلاق است و سازمان بهزیستی این شهرستان همسری و مادری زود هنگام و اعتیاد را از عوامل اصلی آن می‌داند. این شهرستان بالاترین نرخ همسری و مادری زود هنگام در کشور را دارد و بیشتر متقاضیان طلاق زنان هستند و طلاق در بین زنان این منطقه منجر به افزایش روزافزون زنان بی‌سرپرست می‌شود. این پژوهش با رویکرد اکتشافی به بررسی ابعاد و عوامل طلاق در شهرستان زاوه بر اساس تجربه خانواده‌های درگیر طلاق می‌پردازد. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری مناطق مختلف، مطالعه اختصاصی طلاق در هر شهرستان و مقایسه آن با سایر پژوهش‌ها می‌تواند درک بهتری از ازدواج و مسائل آن ارائه دهد. هدف این تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های طلاق و کمک به بهبود سلامت خانواده در شهرستان زاوه است.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های توصیفی و از جهت روش کیفی است. مشارکت کنندگان شامل کلیه افراد مطلقه‌ای بودند که از زمان طلاق رسمی آنها یک هفته الی ۲۰ سال گذشته بود این افراد در شهرستان زاوه به سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام (ره) در شهر دولت‌آباد شهرستان زاوه مراجعه کرده بودند و بخش دیگر شرکت‌کنندگان شامل مسئولین مرتبط با طلاق در سال (۱۴۰۲-۱۴۰۱) در سازمان‌های مذکور بودند. در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری هدفمند^۲ و با مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته^۳ تا رسیدن به نقطه اشباع، با تعداد ۱۵ نفر که عبارت بودند از ۱۰ فرد مطلقه و ۵ نفر مسئول مصاحبه شد. در نمونه‌گیری نظری، گردآوری داده بر اساس مفاهیم در حال تکوین است که بر مبنای مفهوم (مقایسه) استوار است (گلاسر و همکاران^۴، ۱۹۶۸) و جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه دارد که اطلاعات و مفاهیم جدیدتری حاصل نشود. مصاحبه با هر فرد ۲۰-۶۰ دقیقه به طول انجامید، مصاحبه با افراد در مکان‌های متفاوت (کمیته امداد، منزل شخصی فرد مطلقه و محل کار مسئولین مربوط به حوزه طلاق) انجام شد و به‌طور کامل ضبط و پیاده‌سازی شد.

داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری، مبتنی بر طرح نظام‌دار نظریه داده بنیاد اشتراک و کوربین^۵ (۱۹۹۰) تحلیل شدند. در ابتدا مفاهیم اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شده و با مقایسه و دسته‌بندی کدهای باز^۶، مفاهیم و مقولات، در ترکیبی جدید، به صورت کدهای محوری^۷ بدست آمدند، در پایان نیز، در مرحله کدگذاری انتخابی^۸ ترکیب مقولات، نظریه‌ای از متن داده‌ها بدست آمد. جهت سنجش اطمینان-پذیری^۹ از معیارهای گوبا و لینکلن^{۱۰} (۱۹۸۵) مشتمل بر باورپذیری^{۱۱} (روش پژوهش، زمینه فرهنگی، مثلث سازی، صداقت، همکاران طرح تحقیقاتی، بررسی یافته‌ها توسط شرکت کنندگان، مقایسه با یافته‌های پیشین، قابلیت انتقال^{۱۲} (تعیین تعداد شرکت کنندگان، تعیین محدودیت‌ها، تعیین شیوه جمع‌آوری اطلاعات، تعیین تعداد و مدت جلسات و مدت انجام پژوهش)، قابلیت اطمینان^{۱۳} (تعیین مسیر طرح، تعیین شیوه جمع‌آوری داده، ارزیابی مدام پژوهشگر)، قابلیت تأیید^{۱۴} (تعیین جهت‌گیری فکری پژوهشگر، تعیین ادله شیوه تحلیل اطلاعات، تعیین ادله انتخاب شرکت کنندگان، تعیین نحوه تبیین یافته‌ها)، استفاده شد. دو نفر از استادان دانشگاه به‌عنوان ناظران خارجی، در تمامی مراحل پژوهش ناظر بودند به‌منظور کنترل عینیت از شیوه بازبینی مشارکت‌کنندگان تحقیق استفاده شد و یافته‌های پژوهش با سایر پژوهش‌ها محک زده شد. در قابلیت انتقال داده‌ها از طریق مصاحبه با نمونه‌گیری و تا رسیدن به اشباع اطلاعات در فرایند پژوهش ادامه یافت. ۱۲ مصاحبه با میانگین ۱۵ تا ۵۰ دقیقه انجام شد که ۳ ماه (تیر و مرداد و شهریور ۱۴۰۰) طول کشید. در قابلیت اطمینان، مسیر طراحی تحقیق و اجرای آن مشخص شد.

1 Gary Becker

2 Theoretical sampling

3 Semi- structured interview

4 Glaser

5 Strauss & Corbin

6 Open Coding

7 Axial coding

8 Selective coding

9 Trustworthy

10 Guba & Lincoln

11 Credibility, plausibility

12 Transferability

13 Dependability

14 Confirmability

اعتماد و اعتبار داده‌ها با جمع‌آوری و تحلیل مقایسه‌ای مستمر هم‌زمان داده‌ها ایجاد شد و تأیید اعتبار محتوا کدهای استخراج‌شده توسط مشارکت‌کنندگان و دو نفر از همکاران پژوهشگر مورد بازخوانی قرار گرفت به منظور کنترل عینیت از شیوه بازبینی مشارکت‌کنندگان تحقیق و دو نفر از همکاران تحقیق و بازنگری‌های مکرر استفاده شد. در قابلیت تأیید جهت‌گیری‌های فکری پژوهشگر با مرور پژوهش‌های پیشین تعیین شد و به‌منظور غلبه بر موانع تجزیه و تحلیل و افزایش حساسیت نظری، تحلیل مقایسه‌ای مداوم در درون طبقات و تمام طبقات از بیرون، تحلیل کلی صورت گرفت. مثلث سازی مصاحبه توسط یک نفر متخصص غیر از پژوهشگر انجام شد و جهت اطمینان از صداقت شرکت‌کنندگان، به آنها هدف تحقیق، روش مصاحبه، حق مشارکت‌کنندگان برای شرکت در مطالعه یا امتناع از آن، دادن اطمینان به شرکت‌کنندگان در رابطه با محرمانه ماندن نام و اطلاعات آن‌ها و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش، توضیح داده شد. همچنین کدها پس از استخراج توسط دو نفر از همکاران پژوهشگر مورد بازخوانی قرار گرفته و در یک جلسه مشترک نظرات مختلف جمع‌بندی گردید.

به‌منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهشی اقداماتی نظیر توضیح هدف پژوهش و نحوه انجام آن، ارائه معرفی‌نامه پژوهشگران، کسب رضایت آگاهانه شفاهی و کتبی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در مطالعه، توجه به حریم خصوصی آن‌ها، اطمینان از محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان، کسب اجازه ضبط شدن مصاحبه‌ها از شرکت‌کنندگان، بلامانع بودن ترک مصاحبه در صورت عدم تمایل شرکت‌کنندگان به ادامه همکاری به عمل آمد. ملاک ورود به پژوهش نیز عبارت بود از، افراد مطلقه‌ای که صیغه طلاق برای آن‌ها جاری‌شده باشد و از ۱ هفته تا ۲۰ سال از طلاقشان گذشته است. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی است.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. این مجموعه افراد شامل خانم (۵ نفر) - آقا (۵ نفر) و مسئولین مرتبط با طلاق (۵ نفر) بوده‌اند. حداقل سن ازدواج در خانوم‌ها ۱۲ سال و در آقایان ۱۸ سال و میانگین سن ازدواج (۲۱/۲) می‌باشد و حداقل سن طلاق در خانوم‌ها ۱۹ سال و در آقایان ۲۳ سال و میانگین (۲۶/۴) برای سن طلاق مصاحبه‌شوندگان برآورد شده است. در این شاخص بیشترین اختلاف سنی زوجین ۱۰ سال و کمترین اختلاف ۲ ماه بیان شده است. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (زنان و مردان مطلقه) در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (زنان و مردان مطلقه)

ردیف	جنسیت	سن ازدواج	سن طلاق	تحصیلات	شغل	مدت زمان زندگی مشترک	اختلاف سنی	تعداد فرزندان
مریم	زن	۲۳	۳ سال	ابتدایی	بیکار	۴ سال	۲ ماه	-
مرضیه	زن	۱۶	۲ هفته	ابتدایی	کارگر فصلی	۱۰ سال	۵ سال	۱ دختر
لیلا	زن	۱۶	۱ سال	دیپلم	بیکار	۵ سال	۱۰ سال	۱ دختر
فاطمه	زن	۱۲	۲ سال	ابتدایی	بیکار	۷ سال و ۶ ماه	۱۰ سال	-
کبری	زن	۲۰	۱ سال و ۴	بی سواد	کارگر فصلی	۱۶ سال	۴ سال	۲ دختر
علی	مرد	۲۱	۲ سال	دیپلم	آزاد	۱۰ سال	۵ سال	۱ پسر
رضا	مرد	۲۳	۱ ماه	دیپلم	آزاد	۳ ماه	۸ سال	-
امید	مرد	۲۰	۲ سال	لیسانس	کارمند	۶ سال	۵ سال	-
داوود	مرد	۱۸	۱ سال	دیپلم	کارمند	۸ سال	۵ سال	۱ دختر
امیر	مرد	۲۶	۲ سال و ۴	لیسانس	کارمند	۳ سال و ۷ ماه	۴ سال	۱

در جدول ۲ نیز، اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (مسئولین مرتبط با طلاق)، ارائه شده است.

جدول ۲-۴: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (مسئولین مرتبط با طلاق)

ردیف	جنسیت	سابقه فعالیت	محل خدمت
۱	زن	۹ سال	بهزیستی -
۲	مرد	۹ سال	کمپته امداد

۳	زن	۵ سال	بهزیستی
۴	مرد	۲۰ سال	دفتر امام جمعه
۵	زن	۲۳ سال	بهزیستی

در ادامه، روند انجام مصاحبه با این دو گروه به همراه جداول و مدل‌های جداگانه به تفصیل ارائه شده و ابتدا یافته‌های مرتبط با افراد تجربه‌کننده طلاق بیان شده است. روند انجام مصاحبه با افراد تجربه‌کننده طلاق به صورتی بود که پژوهشگر با اجرای ۱۰ مصاحبه با افراد مطلقه در کشف مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با طلاق به اشباع رسید. به طوری که با انجام ۳ مصاحبه بعدی که آن هم با تکیه بر منطق نمونه‌گیری نظری انجام شد. مفاهیم جدیدی به پژوهش افزود نشد و مقوله‌ی جدیدی پدید نیامد. به این صورت اشباع نظری بر پژوهشگر محرز گردید. با بررسی تمامی مصاحبه‌ها با روش کدگذاری باز ۱۵ مقوله کشف و نامگذاری شد. با ارتباط دادن این مقوله‌ها با یکدیگر در مرحله‌ی کدگذاری محوری مقوله‌ها در اجزاء مدل نظریه‌ی زمینه‌ای جایگذاری شدند و ۵ تم شرایط علی یا مقدم، شرایط مداخله‌ای، شرایط بستر ساز، راهبردها و پیامدها را تشکیل دادند. بر مبنای کدگذاری انتخابی مقوله‌ی قانونی (تجربه طلاق) کشف شد و تمامی مقوله‌ها با مقوله‌ی قانونی ارتباط داده شدند. در پایان اجزاء مدل نظری تجربه‌ی طلاق به دست آمد. جدول تم‌های مدل نظری در افراد تجربه‌کننده طلاق به همراه مقوله‌ها و کدهای مفهومی مرتبط با آن در ادامه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. تم‌های مدل نظری مستخرج از مصاحبه‌های افراد تجربه‌کننده طلاق به همراه مقوله‌ها و کدهای مفهومی

تم‌های مرتبط با هر بخش	مقوله	کدهای مفهومی
شرایط علی	اعتیاد	کد ۷- بخاطر آرامش نسبی که به من می‌داد روی آوردم به سمت مواد، در این باتلاق گیر کرده بودم.
	خشونت	کد ۲- مثلاً بابام کلنگ می‌آورد جلو یخچال می‌داشت می‌گفت یا باید بهم پول بدی یا یخچالو می‌شکنم.
	مادری و همسری زود هنگام-	کد ۴- در منطقه ما رسم هست از ۱۱-۱۲ به بالا ازدواج می‌کنن بعضی ۱۰ سال... بعضی از این زندگی‌ها از هم می‌پاشه بعضی‌ها به زور می‌سازن.
	-عدم تامین مخارج (زندگی)	کد ۵- بعضیا هم معتاد هستن ولی زندگیشون می‌چرخون ولی شوهر من اصلاً به زندگیش نگاه نمی‌کرد همش اعتیاد بود نمی‌گفت مقداری از پولم باشه برا زندگی.
	خیانت واحد و/ یا مکرر	کد ۳- خیانتاش منو خیلی اذیت می‌کرد... اینجوری نبود که با یک نفر باشه... من راضی شده بودم می‌گفتم اگه یک نفر هست خب عقد کن من مشکلی ندارم ولی هر هفته یک نفر بود
	بیماری جسمی	کد ۶- بیماری خاصی داشت که پنهون کرده بود. دکتر گفته بود شایدم بچه‌اش ناقصم به دنیا بیاد.
شرایط مداخله‌ای	اشتغال نا مناسب و بیکاری	کد ۵- از اینجا برای کار می رفت شهرهای اطراف برای برگشتش باید پول کرایه رو هم می‌فرستادی که بیاد خونه.
	دوستی با رفیق ناباب	کد ۴- به حرف دوستاش گوش می‌داد- وقتی پیش دوستاش نبود رابطه‌مون خوب بود.
	دخالت و وساطت اطرافیان	کد ۱۰- ریش سفید کار رو بدتر می‌کردن چون احساس ما رو نمی‌دونستن، فقط می‌خواستن ازدواج سر بگیره.
	وجود و حضور فرزندان	کد ۲- فقط بخاطر بچه‌ام صبر کردم بعد فامیلامون گفتن ولش کن بخاطر بچه‌ها تو که اینهمه سال تحمل کردی اینقد دیگه رو هم تحمل کن.
	نگرش خانم و اطرافیان (نحوه مواجهه)	کد ۱- هنوز که عروسی نکرده بودیم من فهمیدم ولی فکر می‌کردم تریاک مصرف می‌کنه گفتم به درک اشکال نداره اینجا همه می‌کشن.
	آشنایی نامناسب قبل از ازدواج و عدم آگاهی ازدواج	کد ۳- اینجا اونطوری نیس که دو نفر بخوان به مدتی بدون عقد آشنا بشن.
	ناآگاهی مدیریت و ناکارآمدی خانواده	کد ۴- دعوا از روی نفهمی بچگی بود.
	خانواده آسیب خیز	کد ۵- از خانواده خودمون رفتیم که راحت بشم.

مطالعه اکتشافی ابعاد، ویژگی‌ها و عوامل درگیر طلاق در شهرستان زاوه: یک مطالعه داده بنیاد
Exploratory study of dimensions, characteristics and factors involved in divorce in Zaveh city: A grounded theory study

شرایط زمینه‌ساز	بیکاری مهاجرت شغلی (وضعیت شغلی خاص و بی ثبات)	کد ۱- برای کار می‌رفت شهرستان‌های اطراف... اونجا دوستان معتاد بودند سر کار که می‌رفت با هم می‌کشیدند.
	کمبود مشاوره (کیفیت پایین مشاوره و فرهنگ عدم رجوع به مشاور)	کد ۳- نیاز به مشاور پیش از ازدواج نداشتیم، جلسه مرکز بهداشت نرفتیم.
راهبرد (کنش و کنش متقابل)	و عوامل فرهنگی بومی	کد ۴- تا پنجم خوندم... روستای ما اجازه نمی‌دن برا ادامه تحصیل گیر می‌دن... می‌گن دختر نباید درس بخونه.
	فردی (سازگار)	کد ۵- انقد که بخاطر شوهرم سختی کشیدم دیگه دلم نمی‌خواد عروس بشم...
	ناسازگار	کد ۵- رفتم کارگری... انقد توی اون فصل کار کردیم... تا بتونیم یه زمین بخریم همون زمین را با دخترم گرفتیم.
پیامدها	خانوادگی (سازگار)	کد ۱- بابام از طلاق خوشش نمید بخاطر همین من نه جهاز گرفتم ازشون نه مهریه چون بابام کمکم نکرد و ما همین‌جا طلاق گرفتیم.
	فردی (سازگار)	کد ۱- راحت شدم دیگه بعد ۳ سال درگیر طلاق بودن.
	ناسازگار	کد ۵- دخترم ۱۴ سالشه خواستگار داره اما می‌گم درس بخونه... براش چشم و گوشمو باز می‌کنم چون برا خودم نکردم.
	خانوادگی (سازگار)	کد ۳- سخته زندگی بعد از طلاق خیلی سخته توی شهر کوچیک که همه همو می‌شناسن نمی‌تونی بیرون بری مزاحمتا خیلی زیاده.
	اجتماعی (سازگار)	کد ۳- سخته زندگی بعد از طلاق خیلی سخته توی شهر کوچیک که همه همو می‌شناسن نمی‌تونی بیرون بری مزاحمتا خیلی زیاده.

در ادامه توضیحات جدول ۳ (تم‌های مدل نظری مستخرج از مصاحبه با افراد تجربه‌کننده طلاق) به همراه جزئیات آن ارائه شده است. اطلاعات حاصل از کدهای باز، محوری و گزینشی در محور تم شرایط علی طلاق شامل مقوله‌های (اعتیاد- خشونت- مادری و همسری زود هنگام- عدم تامین مخارج زندگی- خیانت- بیماری جسمی) می‌باشد. اطلاعات حاصل از کدهای باز، محوری و گزینشی در محور تم شرایط مداخله‌ای طلاق شامل مقوله (اشتغال نامناسب و بیکاری، دوستی با رفیق ناباب، دخالت و وساطت اطرافیان، وجود و حضور فرزندان، نگرش خانم‌ها و اطرافیان (نحوه مواجهه)، آشنایی نامناسب قبل از ازدواج، عدم آگاهی و عدم آمادگی ازدواج، ناآگاهی مدیریت و ناکارآمدی خانواده) می‌باشد. تم شرایط بستر ساز (زمینه‌ای) در برگیرنده مقوله‌های خانواده آسیب خیز، بیکاری، مهاجرت شغلی (وضعیت شغلی خاص و بی ثبات)، کمبود مشاوره (کیفیت پایین مشاوره و فرهنگ عدم رجوع به مشاور) و عوامل فرهنگی بومی می‌باشد. تم راهبرد در برگیرنده ۳ مقوله فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌باشد که با دو عنوان سازگار و ناسازگار بیان شده است. منظور از سازگار راهبردهایی می‌باشد که فرد را با تجربه طلاق سازگار می‌کند و به پذیرش فرد کمک می‌کند و منظور از ناسازگار راهبردهایی می‌باشد که در جهت ناسازگاری فرد با شرایط تجربه طلاق بوده است. مقوله فردی سازگار: شامل زیرمقوله‌های کسب هویت مستقل، اتکا به خود، افزایش تاب آوری، احساس راحتی و رهایی از مشکلات زندگی قبلی، ساخت مسکن جدید، جست و جوی شغل و منبع درآمد (اشتغال)؛ افزایش ساعات کاری و سعی در پیشرفت اجتماعی (فشار زیاد برای خانم) بوده است. مقوله فردی ناسازگار: شامل زیر مقوله‌های احساس گناه، گریز از ازدواج مجدد، بی رغبتی به ازدواج مجدد، حسرت گذشته، پشیمانی از ناسازگاری و عدم مدیریت مناسب شرایط قبلی و راهبرد هیجانی (ناراحتی و گریه- خشم- انزوا) بوده است.

تم پیامد شامل تم پیامد فردی (سازگار- ناسازگار): این مقوله شامل زیر مقوله‌های متعدد می‌باشد که در دو بازه زمانی کوتاه مدت و بلند مدت جایگذاری می‌شود. کوتاه مدت: شامل حس در به دری و آوارگی بعد از طلاق، احساس رهایی و راحتی ناشی از طلاق، پررنگ بودن راحتی بعد طلاق و اهمیت آن، هزینه همه جانبه برای دستیابی به آن، پشیمانی از طلاق بود. بلند مدت: شامل تغییر نگرش نسبت به ازدواج (بی رغبتی به ازدواج)، باز اندیشی در معیارهای انتخاب همسر، شرایط نامطلوب ازدواج مجدد (درخواست‌های ازدواج نامطلوب)، بیماری‌های جسمی و روانی، پشیمانی از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ازدواج، فشارهای اقتصادی و روانی طلاق بر زنان مطلقه، کم هزینه بودن طلاق برای آقا، عدم دریافت حمایت‌های خانوادگی، پشیمانی از عدم تحمل زندگی با چشم پوشی از خیانت، ازدواج در سن پایین علت مشکلات بعدی، تحقیق و شناخت ناکافی زمینه ساز انتخاب اشتباه، رضایت از طلاق از فرد کنترل‌گر، کسب تجربه و شناخت برای ازدواج بعدی، تحقیق حضوری از محل زندگی لازمه شناخت، کسب تجربه از طلاق بود. خانوادگی (سازگار- ناسازگار) کوتاه مدت: شامل رفتاری کودکان و چالش مادر با فرزندان برای ملاقات با پدر بود. خانوادگی (سازگار- ناسازگار) بلند مدت: شامل آسیب‌های روانی طلاق بر فرزندان طلاق، اثر تجربه طلاق والدین در ازدواج فرزندان، تفاوت نسل و دیدگاه مادر و دختر در معیارهای ازدواج، عدم تمایل به تکرار الگوی آسیب‌زای مادر مطلقه برای دختر، ناتوانی در سرپرستی فرزندان به تنهایی، سرپرستی فرزند طلاق توسط مادر، فشار اقتصادی و روانی مادر برای سرپرستی فرزندان به تنهایی بود. اجتماعی (سازگار- ناسازگار)

کوتاه مدت: شامل فشار اجتماعی در تصمیم گیری ازدواج مجدد، (فشار اجتماعی و اقتصادی محرک تکرار تصمیم اشتباه) بود. اجتماعی (سازگار-نا سازگار) بلندمدت: شامل پذیرش خانم مطلقه با منت، مزاحمت‌ها و محدودیت‌های محیط کوچک برای خانم مطلقه، درخواست کمک از نهادهای حمایتی و ننگ مهر طلاق بود.

با توجه به این یافته‌ها مدل نظری تجربه طلاق در افراد تجربه کننده طلاق می‌توان به شکل ۱ ارائه نمود:



شکل ۱. مدل نظری تجربه طلاق در افراد تجربه کننده طلاق

همان‌طور که اشاره شد، با مسئولین مرتبط با طلاق نیز مصاحبه‌هایی صورت گرفت. روند انجام مصاحبه با این افراد به صورتی بود که پژوهشگر با اجرای ۵ مصاحبه در کشف مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با طلاق به اشباع رسید. در جدول ۴، تم‌های مدل نظری مستخرج از این مصاحبه‌ها ارائه شده است.

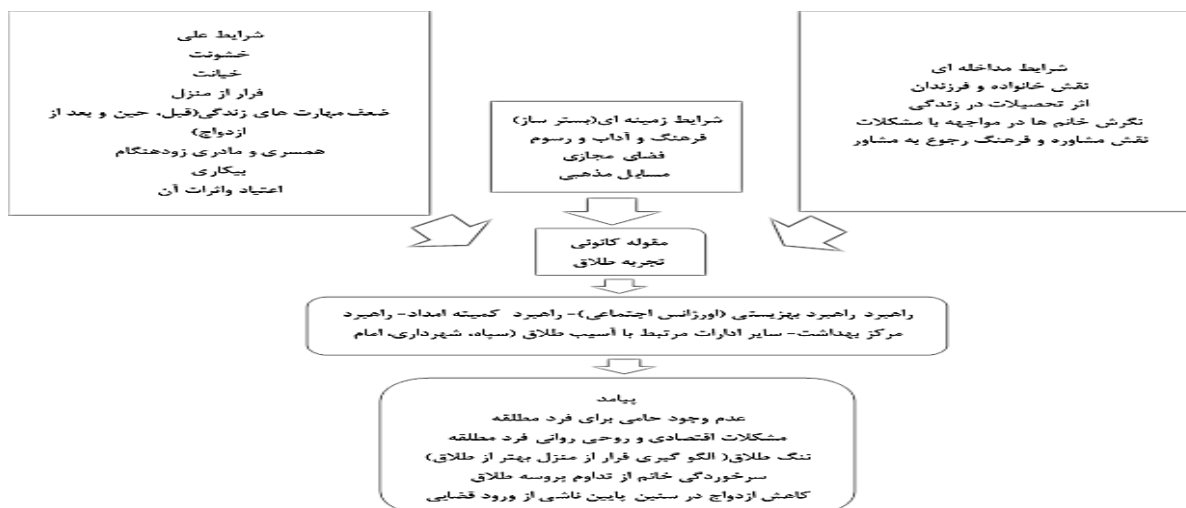
جدول ۴. تم‌های مدل نظری مستخرج از مصاحبه‌های مسئولین مرتبط با طلاق به همراه مقوله‌ها و کدهای مفهومی

تم‌های مرتبط با هر بخش	مقوله	کدهای مفهومی
شرایط علی	خشونت	کد ۱- این منطقه همسر آزاری زیاده... مواردی هست از صفی آباد ک جسمی شدید بوده منجر شده به مراجعه به به پزشک قانونی.
	خیانت	کد ۲: توی بعضی روستاها روابط زیاد مخفیانه با نامحرم زیاده که بعدا لو میره یا بعضی روابط دوستانه در گروه‌ها زیاده که بعدا همین دلیل اختلاف میشه.
	فرار از منزل	اکثر فرارها بخاطر اعتیاد همسر بود که اون ناشی از خلأ عاطفی بود که خانواده‌ها هم از اینها حمایت نمیکردن. خانواده خود دختره.
	ضعف مهارت زندگی (قبل، حین و بعد از ازدواج)	کد ۵- روابط زناشویی که اصلاً آقا یا خانم اطلاعی از رابطه جنسی خود ندارن بعد مشکل به اختلاف و طلاق و بماند همه مشکلات میشه.
	همسری و مادری زود هنگام	کد ۲- این بحث کودک همسری از قدیم در بافت فرهنگی و غالب فکریشون بوده که دختر اگه از ۱۸ سنش بره بالا دیگه ممکنه خواستگار نداشته باشه، الان دخترایی داشتیم که در ۹-۱۰ سال ازدواج کردن.

بیکاری	کد ۲- وضعیت اشتغال که باعث بیکاری و آسیب‌های مختلف در خود فرد و در خانواده میشه... وقتی موقعیت شغلی مناسب نباشه این باعث مهاجرت میشه بعضی از روستاها متأسفانه مهاجرت سنگین دارن.
	کد ۲- سرپرست در اکثر موارد اعتیاد داشتن و درگیر مواد بودن.
شرایط مداخله‌ای	کد ۱- توی سبک فرزند پروری اکثرا مستبدانه و دیکتاتوری هستند حداقل ۱۰ سال اول.
	کد ۲- بعضی سطح سواد درستی ندارن یعنی حداکثر تا ۵ ابتدایی درس خوندن... خیلیاشون فاقد مهارت خاصی هستن.
نقش خانواده و فرزندان	کد ۳- خانمای اینجا تحملشون بالاس مگه صبرش لبریز بشه...
	کد ۲- متأسفانه در شهرستان زمانی میرن به مشاوره که فرد ازدواج کرده... اصلا فرهنگ مشاوره قبل ازدواج در شهرستان جا نیفتاده.
نقش مشاوره و فرهنگ رجوع به مشاور	کد ۵- مثلا میگن با لباس سفید رفتی با کفن سفید باید برگردی آخرش منجر میشه به خودکشی این خانم و نمیتونه طلاق بگیره بعدم فرار میکنه با کسی.
	کد ۱- یا بعضیا از فضای مجازی و مقایسه زندگی خودشون با بقیه و عکس العملشون به مشکلات میفهمن که مشکلشون شاید مثل بقیه با طلاق حل میشه.
فرهنگ و آداب و رسوم	کد ۱- چیز دیگه ای که متوجه شدیم متأسفانه اکثرا خانواده‌های مسایل مذهبی نیس درشون از لحاظ مذهبی مثلا یه خانواده ۴-۵ نفره هیچ تقیدی ندارن نماز حتی نمیخونن.
	کد ۲- کارگروه آسیب‌های اجتماعی تشکیل شده و کمیته امداد یکی از اعضای فعال اون کارگروه که با مدیریت بهزیستی و اداراتی که نقش دارن در کاهش آسیب‌ها نقش دارن ولی خب بحث فرهنگی آسیب‌ها یسری زیرساخت‌ها لازم داره و معمولا برنامه‌هاش بلند مدت هست نه کوتاه مدت.
راهبرد(کنش و کنش متقابل)	کد ۱: الان داریم با مرکز بهداشت همکاری میکنیم برای مشاوره پیش از ازدواج.
	کد ۱- سپاه نقشه جامع داره از ساق که خونه‌هایی که اعتیاد دارن یک رنگه و خونه‌های دیگه رنگ‌های دیگه کامل مشخصه.. محل‌هایی که اعتیاد بیشتره و خرید و فروش داره مشخصه که هست با ما همکاری دارن ضابط حقوقی که همکاری شونم خوبه مخصوصا سپاه.
سایر ادارات مرتبط با آسیب طلاق (سپاه، شهرداری، امام جمعه)	کد ۲- خانواده‌هایی بودن که متأسفانه از سمت پدر و مادر مورد پذیرش واقع نشدن و یا اگه شدن متأسفانه با منت پدر و مادرم... درد و دل زیاد دارن و کسی نیست کمک کنه.
	کد ۱- طلاق نمیگرفتن خانواده دختر و میگفتن طلاق برای ما ننگه همینم که با یکی فرار کنه برگرده بهتره.. وقتی از دختر خانم میپرسی چرا اینجوری میکنی میگفت فلان دوستم اینکارو کرد اینجور نتیجه گرفت.
عدم وجود حامی برای فرد مطلقه	کد ۱- خانمی ک همسرش برا ازدواج مجدد یا اعتیاد ترکش کرده همچنان پروندش بلا تکلیف مونده و سر خورده میشه و نادیده گرفته میشه
	کد ۵- زمانی که این دستور العمل اومد و رایش صادر شد که به هیچ وجه روحانی حق عقد سن ۱۳ سال به پایین نداره که ما اینجا اعلام کردیم زیر ۱۴-۱۵ سال...
مشکلات اقتصادی و روحي روانی فرد مطلقه الگو گیری فرار از منزل بهتر از طلاق)	کد ۱- خانمی ک همسرش برا ازدواج مجدد یا اعتیاد ترکش کرده همچنان پروندش بلا تکلیف مونده و سر خورده میشه و نادیده گرفته میشه
	کد ۵- زمانی که این دستور العمل اومد و رایش صادر شد که به هیچ وجه روحانی حق عقد سن ۱۳ سال به پایین نداره که ما اینجا اعلام کردیم زیر ۱۴-۱۵ سال...
سرخوردگی خانم از تداوم پروسه طلاق	کد ۱- خانمی ک همسرش برا ازدواج مجدد یا اعتیاد ترکش کرده همچنان پروندش بلا تکلیف مونده و سر خورده میشه و نادیده گرفته میشه
	کد ۵- زمانی که این دستور العمل اومد و رایش صادر شد که به هیچ وجه روحانی حق عقد سن ۱۳ سال به پایین نداره که ما اینجا اعلام کردیم زیر ۱۴-۱۵ سال...
کاهش ازدواج در سنین پایین ناشی از ورود قضایی	کد ۱- خانمی ک همسرش برا ازدواج مجدد یا اعتیاد ترکش کرده همچنان پروندش بلا تکلیف مونده و سر خورده میشه و نادیده گرفته میشه
	کد ۵- زمانی که این دستور العمل اومد و رایش صادر شد که به هیچ وجه روحانی حق عقد سن ۱۳ سال به پایین نداره که ما اینجا اعلام کردیم زیر ۱۴-۱۵ سال...

مطابق با جدول ۴، نتایج حاصل از سه مرحله کدگذاری در برگزیده ۵ تم (تم شرایط علی- تم شرایط مداخله‌ای- تم شرایط بستر ساز- تم راهبرد و تم پیامد) می‌باشد. اطلاعات حاصل از کدهای باز، محوری و گزینشی در محور تم شرایط علی طلاق شامل ۷ مقوله (خشونت- خیانت- فرار از منزل- ضعف مهارت‌های زندگی (قبل-حین و بعد از ازدواج)- همسری و مادری زود هنگام- بیکاری- اعتیاد و اثرات آن) می‌باشد. اطلاعات حاصل از کدهای باز، محوری و گزینشی در محور تم شرایط مداخله‌ای طلاق شامل ۴ مقوله (نقش خانواده و فرزندان- اثر تحصیلات در زندگی- نگرش خانم‌ها در مواجهه با مشکلات- نقش مشاوره و فرهنگ رجوع به مشاور می‌باشد. تم شرایط زمینه‌ای در برگزیده مقوله‌های (فرهنگ و آداب و رسوم- فضای مجازی- مسایل مذهبی) می‌باشد. تم راهبرد در برگزیده ۴ زیر مقوله راهبرد بهزیستی (اورژانس اجتماعی)- راهبرد کمیته

امداد- راهبرد مرکز بهداشت- سایر ادارات مرتبط با آسیب طلاق (سپاه، شهرداری، امام جمعه) می باشد این زیر مقوله ها به راهبرد سازمان های مختلف در مواجهه با طلاق و افزایش آن اشاره دارد. تم پیامد شامل مقوله های (عدم وجود حامی برای خانم مطلقه- مشکلات اقتصادی و روحی روانی فرد مطلقه- ننگ طلاق (الگوگیری فرار از منزل بهتر از طلاق)- سرخوردگی خانم از تداوم پروسه طلاق- کاهش ازدواج در سنین پایین ناشی از ورود قضایی) می باشد. در شکل ۲ مدل نظری تجربه طلاق در مسئولین مرتبط با طلاق نیز ارائه شده است.



شکل ۲ مدل نظری تجربه طلاق از منظر مسئولین

با مقایسه صورت گرفته بین دو مدل ارائه شده، تفاوت این دو مدل در قسمت تم شرایط زمینه ای (بستر ساز) و تم راهبرد و تم پیامد می باشد. که در قسمت تم شرایط زمینه ای به جهت جامعیت نگاه مسئولین و دید کلی تری که نسبت به فرد با تجربه طلاق دارند به این مسئله می نگرند و شرایط کلی تری بیان کرده اند، بعضی از مقوله های این تم که توسط مسئولین بیان شده هیچ اشاره ای به آن از طرف افراد تجربه کننده طلاق نشده برای مثال مقوله مسایل مذهبی مورد توجه مسئولین تنها بوده است یا افراد تجربه کننده طلاق به آن توجهی نداشته اند و در مقوله فضای مجازی اهمیت آن در نگاه افراد تجربه کننده بسیار کمتر از مسئولین می باشد و در بحث مقوله بیکاری نیز شرایط به همین صورت می باشد. بیکاری با توجه به اهمیتی که از نظر مسئولین دارد قدرت اثر و حضور در هر سه تم شرایط علی، مداخله ای و زمینه ای را دارد که در نگاه اولیه با توجه به ارتباط سه بعدی که بین اعتیاد، بیکاری و طلاق قائل هستند اهمیت آن را در ارتباط با طلاق و اعتیاد بیان می کنند و در تم شرایط زمینه ای با توجه به موقعیت جغرافیایی شهرستان و سطح بهرمندی آن از امکانات، اشتغال و بیکاری را جز شرایط این تم می دانند. در تم راهبرد نیز با توجه به مسئولیت ادارات مختلف در مواجهه با آسیب های مختلف، راهبردهای این ارگان ها مشخص می باشد در صورتی که در افراد تجربه کننده طلاق این راهبردها فردی می باشد. استفاده از هر نوع راهبرد پیامد متناسب با خود را نیز در پی دارد که در نتیجه استفاده از راهبردهای سازمان های مختلف نیز پیامدهای فردی مشترک با افراد تجربه کننده طلاق رخ می دهد هر چند تلاش مسئولین سازمان ها برای کاهش پیامدهای منفی طلاق و پیشگیری از وقوع طلاق می باشد اما گاهی این تلاش ها پاسخگو نبوده و یا راهبرد متناسبی اتخاذ نشده و پیامد منفی برای افراد تجربه کننده طلاق در پی دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف مطالعه اکتشافی ابعاد و مؤلفه ها و ویژگی های طلاق در شهرستان زاوه انجام شد. اطلاعات حاصل از تجزیه و تحلیل و فرآیند کدگذاری مصاحبه های افراد تجربه کننده، طلاق در شهرستان زاوه در قالب تم شرایط علی: شامل اعتیاد (وابستگی به مواد مخدر)- خیانت - همسری و مادری زودهنگام- خشونت - الگوی ارتباط زوجی نامناسب- بی توجهی و ناتوانی در تأمین مخارج زندگی- بیماری جسمی، تم شرایط بسترساز و مداخله ای: شامل خشونت- خیانت- فرار از منزل- ضعف مهارت های زندگی- همسری و مادری زودهنگام- بیکاری- اعتیاد و اثرات آن، دو تم پیامد: شامل فردی (سازگار- ناسازگار)، خانوادگی (سازگار- ناسازگار)، اجتماعی (سازگار- ناسازگار) در دو بازه زمانی کوتاه مدت و بلندمدت ؛ و پیامد (عدم وجود حامی برای فرد مطلقه - مشکلات اقتصادی و روحی روانی فرد مطلقه- ننگ طلاق - سرخوردگی خانم از تداوم پروسه طلاق

- کاهش ازدواج در سنین پایین ناشی از ورود قضایی که هر کدام در قالب مدل طلاق ارائه شده است، می‌باشد. تم‌ها در قسمت شرایط علی و مداخله‌ای و بستر ساز با هم دیگر همپوشانی داشته و باعث شده یک تم در چند قسمت قرار بگیرد مانند تم اعتیاد که به نوعی بستر ساز، علت و مداخله‌گر در طلاق است و در نهایت نیز گاهی پیامدها خود بستری برای ازواج مجدد و تکرار روند طلاق می‌شود.

این پژوهش که در حوزه طلاق بوده مانند پژوهش خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹)، عبدللهی و همکاران (۱۴۰۰) و اسکندری‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) به روش داده‌بنیاد جهت بررسی شرایط علی، مداخله‌ای، راهبرد، بستر و پیامد طلاق انجام شده است. در ادامه متناسب با تم‌های ارائه شده در بخش یافته‌های پژوهش، تبیین‌ها ارائه شده است:

تم شرایط علی: علل و شرایط مختلفی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در فرایند طلاق نقش داشته‌اند از جمله شرایط علی موثر در طلاق در این شهرستان، اعتیاد می‌باشد که در پژوهش احمد دوست و همکاران (۱۳۹۷)، بدان پرداخته شده است. علت دیگر خشونت و خیانت بیان شده که در پژوهش خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹) بدان پرداخته شده است. علت دیگر طلاق کودک همسری (ازدواج زود هنگام و در سنین پایین) یا ازدواج اجباری می‌باشد که در پژوهش فولادیان (۱۳۹۹)، گلایی و علیشاه (۱۴۰۰)، به آن اشاره شده است. علت بعدی طلاق بیکاری و عدم تامین مخارج زندگی (مشکل امرار معاش) بیان شده که با نتایج پژوهش گلایی و علیشاه (۱۴۰۰)، همراستاست. برخی از پژوهش‌ها به بررسی اثر متغیرهای مربوط به اشتغال و درآمدزایی بر طلاق پرداخته‌اند مانند پژوهش علمی (۱۳۹۸) که بیان می‌کند متغیر مجازی وضع شغلی و باسودی سرپرست خانوار و درآمد خانوار اثر منفی بر احتمال قرارگیری خانوار در معرض انحلال قانون خانواده دارد و گزنالس و مارسن^۱ (۲۰۱۷) که معتقدند تأثیر تغییرات بیکاری مردان بر طلاق می‌تواند غیرخطی باشد. در کشورهایی که نرخ طلاق در آنها کمتر است رابطه منفی بین نرخ بیکاری و طلاق وجود دارد و در کشورهایی با نرخ طلاق بالاتر رابطه بین نرخ بیکاری و طلاق، معکوس می‌باشد. عامل دیگر الگو ارتباط زوجی نامناسب می‌باشد. ملکشاهی (۱۳۹۵) در مطالعه خود بر نقش فقدان محبت بین زوجین در طلاق تأکید دارد. رضوانی و عجم (۱۳۹۵) بر نقش مهم مشکلات جسمانی تأکید دارند و خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۹) نیز معتقدند مشکلات روانی، جنسی و پزشکی زوجین، شکل‌گیری طلاق را تشدید می‌کند. علت دیگر که در ذیل شرایط علی مطرح شده است ترک منزل می‌باشد که در پژوهش عبدللهی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان قهر و متارکه مکرر بیان شده است.

تم شرایط مداخله‌ای: شرایط مداخله‌ای موثر در طلاق در این شهرستان نیز در قالب باورهای فرهنگی اجتماعی، راهنمایی و وساطت اطرافیان، نحوه نگرش اطرافیان (خانم-خانواده) وجود و حضور فرزندان، دوستی با رفیق ناباب، فضای مجازی، آشنایی نامناسب قبل از ازدواج، عدم آگاهی و آمادگی ازدواج و ناآگاهی مدیریت و ناکارآمدی خانواده می‌باشد که با پژوهش رضایی (۱۳۹۹) که عدم بلوغ فکری و عاطفی و دخالت اطرافیان را عامل مهم پدیدایی طلاق ذکر می‌کند، همسویی دارد. رضانی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز در همین راستا، شرایط خانوادگی و دخالت‌های خانواده‌ها را عامل مهمی می‌شمردند و فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۷) نیز مداخله اقوام و اطرافیان را در پدیدایی طلاق موثر می‌دانند.

تم شرایط زمینه‌ای (بستر ساز): در ارتباط با شرایط زمینه‌ای (بستر ساز) به خانواده آسیب‌خیز اشاره شده است که سایر پژوهش‌ها نیز به اهمیت خانواده و آسیب‌های آن توجه دارد. طلاق فرایند بین‌نسلی است و فرزندی که والدینشان از هم جدا شده‌اند احتمال بیشتری وجود دارد که این فرزندان هم طلاق بگیرند. فقدان‌های گذشته زوج‌ها نیز می‌تواند در بروز طلاق نقش داشته باشد. بهنیا و همکاران (۱۳۹۸)، دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد باعث شکل‌گیری اکثر روان‌بنه‌های سازش نایافته اولیه می‌شوند و از طریق همین روان‌بنه‌ها در مراحل بعدی زندگی، زمینه خشونت خانگی را فراهم می‌سازد که در زنان در شرف طلاق تأثیر می‌گذارد. محمدتقی‌زاده (۱۳۹۹) با ارائه درخواست طلاق توافقی مرحله دیگری از مشاوره برای جدایی به صورت اجباری (مشاوره در وقت اضافه) مطرح می‌گردد که در بیشتر موارد به ناتوانی در رسیدن به راه‌حل مسائل می‌انجامد. البته پیامدی دیگر چنین مشاوره‌ای نوعی آماده شدن برای جدایی و کنار آمدن با خطرات و تله‌های بعد از جدایی را ممکن می‌سازد. عوامل فرهنگی بومی توسط اسکندری‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، مورد مطالعه قرار گرفته فرهنگ و فاکتورهای شخصی و شخصیتی ناشی از فرهنگ و راهبردها در پژوهش علاقه‌مند و همکاران (۱۳۹۹) اشاره شده است به گونه‌ای که سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار و هیجان‌خواهی به‌طور مستقیم و مثبت بر طلاق عاطفی تأثیر دارد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های پیشین می‌باشد اما آنچه در پژوهش‌های قبلی مشاهده نشد توجه به نقش مسئولین مرتبط با طلاق می‌باشد که با توجه به قدرتی که در تصمیم‌گیری و اثر بر فرایند طلاق در افراد زیرمجموعه جغرافیایی خود دارند لزوم توجه به آن را می‌طلبد.

در قسمت تم شرایط زمینه‌ای به جهت جامعیت نگاه مسئولین و دید کلی‌تری که نسبت به فرد با تجربه طلاق دارند به این مسئله می‌نگرند و شرایط کلی‌تری بیان کرده‌اند، بعضی از مقوله‌های این تم که توسط مسئولین بیان شده هیچ اشاره‌ای به آن از طرف افراد تجربه‌کننده طلاق نشده برای مثال مقوله مسائل مذهبی مورد توجه مسئولین تنها بوده است یا افراد تجربه‌کننده طلاق به آن توجهی نداشته‌اند و در مقوله فضای مجازی اهمیت آن در نگاه افراد تجربه‌کننده بسیار کمتر از مسئولین می‌باشد و در بحث مقوله بیکاری نیز شرایط به همین صورت می‌باشد.

بیکاری با توجه به اهمیتی که از نظر مسئولین دارد قدرت اثر و حضور در هر سه تم شرایط علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای را دارد که در نگاه اولیه با توجه به ارتباط سه بعدی که بین اعتیاد، بیکاری و طلاق قائل هستند اهمیت آن را در ارتباط با طلاق و اعتیاد بیان می‌کنند و در تم شرایط زمینه‌ای با توجه به موقعیت جغرافیایی شهرستان و سطح بهرمندی آن از امکانات اشتغال بیکاری را جز شرایط این تم می‌دانند.

تم راهبردها و پیامدها: در تم راهبردها نیز با توجه به مسئولیت ادارات مختلف در مواجهه با آسیب‌های مختله راهبردهای این ارگان‌ها مشخص می‌باشد در صورتی که در افراد تجربه کننده طلاق، این راهبردها فردی می‌باشد. استفاده از هر نوع راهبرد پیامد متناسب با خود را نیز در پی دارد که در نتیجه استفاده از راهبردهای سازمان‌های مختلف نیز پیامدهای فردی مشترک با افراد تجربه‌کننده طلاق رخ می‌دهد. هر چند تلاش مسئولین سازمان‌ها برای کاهش پیامدهای منفی طلاق و پیشگیری از وقوع طلاق می‌باشد اما گاهی این تلاش‌ها پاسخگو نبوده و یا راهبرد متناسبی اتخاذ نشده و پیامد منفی برای افراد تجربه کننده طلاق در پی دارد.

لذا با توجه به این دستاوردها پیشنهاد می‌شود ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی اقتصادی اجتماعی طلاق به ویژه برای زنان جهت پرهیز از شتابزدگی زوجین در اخذ فوری و نسنجیده برای طلاق توسط مشاوران امور خانواده صورت گیرد از طرفی مشاوره خانواده و واحدهای ارشاد و امداد در سیستم قضایی وجود دارد اما این گونه واحدها به علت ساختار تشکیلاتی و عدم وجود افراد متخصص در رأس آنها نتوانسته‌اند پیرامون راهنمایی خانواده‌ها و ارائه پیشنهادها و مشاوره‌های درست و سازنده به آنها مساعدت نمایند؛ لذا در این خصوص پیشنهاد می‌گردد: الف) هر یک از این واحدها از ۴ عضو تشکیل گردد؛ یک متخصص حقوقی آگاه به حقوق خانواده یک روانشناس یک متخصص امور مذهبی و یک معتمد محلی همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش‌های قبل از ازدواج به صورت قانونی اجباری شوند. لازم به ذکر است که زنان بیشتر از مردان اعلام موافقت جهت همکاری و مشارکت در پژوهش را داشتند. تعداد بالاتر مشارکت‌کنندگان زن می‌تواند نتایج حاصل را تحت تأثیر قرار داده باشد. همچنین انتخاب مشارکت‌کنندگان از میان مراجعان به مراکز حمایتی، با در نظر داشتن مشکلات سازگاری و روان‌شناختی پایه‌ای این افراد، می‌تواند نتایج پژوهش را متأثر ساخته باشد.

منابع

- احمد دوست، ح، جعفری سدهی، ر، محمدی، ش، و محمدی، ر. (۱۳۹۷). بسترها و پیامدهای طلاق در شهر رشت: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۳۲۵-۳۰۹، (۳)۷. [SID. https://sid.ir/paper/215498/fa](https://sid.ir/paper/215498/fa)
- اسکندری نژاد، خ، و فتحی آشتیانی، ع. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک). *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۴۸، (۱)، ۵۳-۸۶. <https://civilica.com/doc/1599698>
- بهنیا، ل، قربان شیرودی، ش، خلعتبری، ج. (۱۳۹۸). رابطه دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی زنان در شرف طلاق با میانجی‌گری روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۸ (۷۵)، ۲۷۵-۲۸۶. <http://psychologicalscience.ir/article-۲۸۶-۲۷۵-۱۸-۷۵.html>
- رضوانی، ا، و عجم، ع. (۱۳۹۵). رابطه‌ی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با پیشرفت تحصیلی و اعتماد در روابط بین فردی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. *توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۹ (۲۴)، ۳۳-۴۳. [SID. https://sid.ir/paper/219297/fa](https://sid.ir/paper/219297/fa)
- رضایی، ع، میرزاده کوهشاهی، ف، و یعقوبی ترکی، ا. (۱۳۹۶). تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق: یک پژوهش کیفی. *خانواده پژوهی*، ۱۳ (۴)، ۶۰۴-۵۸۵.
- رضائی فر، ح، کلدی، ع، و قدیمی، ب. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۹ (۲)، ۱۶۷-۱۹۱. [SID. https://sid.ir/paper/369484/fa](https://sid.ir/paper/369484/fa)
- خجسته مهر، ر، بهمنی، ابوطالب، سودانی، م، و عباسپور، ذ. (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۲۷ (۱)، ۲۳-۴۶. <https://doi.org/10.22055/psy.2020.32329.2488>
- عبداللهی، ا، احدی، ح، تاجری، بیوک، وحاج‌علیزاده، ک. (۱۳۹۹). تجربه‌ی طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی). *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۳ (۸۹)، ۱۴۳-۱۶۲. <https://doi.org/10.22055/jwss.10.22090>
- علاقیند، ل، شریفی، حسن پاشا، ف، ولی‌اله، و آقابوسفی، ع. (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹ (۹۰)، ۷۳۳-۷۴۳. <http://noo.rs/7UiwI>
- علمی، ز. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر احتمال طلاق در ایران با استفاده از روش داده‌های شبه تابلویی. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۱ (۴۱)، ۱۲۹-۱۵۰.
- فیروزجانیان گلوگاه، ع، ا، صادقی، س، جان محمدی لرگانی، و، و لطفی، ط. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران. *مطالعات زن و خانواده*، ۶ (۲)، ۱۱۱-۱۴۳. [doi: 10.22051/jwfs.2017.15089.1438](https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.15089.1438)
- فولادیان، م، و شجاعی قلعه نی، م. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی فرایندهای وقوع طلاق. *خانواده پژوهی*، ۱۶ (۲)، ۲۳۱-۲۵۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1399.11.41.6.0>

Exploratory study of dimensions, characteristics and factors involved in divorce in Zaveh city: A grounded theory study

- گلایی، ف. و شکوهی علیشاه، ا. (۱۴۰۰). جنسیت و تمایز عادت‌واره: بررسی مقایسه‌ای فهم و تجربه زنان و مردان در مواجهه با طلاق (مورد مطالعه: شهر تبریز). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۲)، ۵۲۹-۵۶۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2021.303832.1076>
- محمدتقی زاده، م. (۱۳۹۹). تجربه مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران. *پژوهشنامه زنان*، ۱۱(۱) (پیاپی ۳۱)، <https://sid.ir/paper/525004/fa>
- ملکشاهی، س.، سوری، ا.، فتاح آباد، و سلطانی، م. (۱۳۹۵). اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان لرستان.
- Adegoke, T. G. (2010). Socio-cultural factors as determinants of divorce rates among women of reproductive age in Ibadan metropolis, Nigeria. *Studies of tribes and tribals*, 8(2), 107-114. <http://dx.doi.org/10.1080/0972639X.2010.11886617>
- Alola, A. A., Arikewuyo, A. O., Akadiri, S. S., & Alola, M. I. (2020). The role of income and gender unemployment in divorce rate among the OECD countries. *Journal of Labor and Society*, 23(1), 75-86. <http://dx.doi.org/10.1111/wusa.12460>
- Alkhateeb, M., Al-Masalha, H., & Alsalti, M. (2023). The Impact Of Divorce Through Media On Muslim Society. *Journal of Namibian Studies: History Politics Culture*, 34, 752-769.
- Al-Shahrani, H. F., & Hammad, M. A. (2023). Impact of emotional divorce on the mental health of married women in Saudi Arabia. *Plos one*, 18(11), e0293285. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1371/journal.pone.0293285>
- Aspara, J., Wittkowski, K., & Luo, X. (2018). Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory. *Personality and Individual Differences*, 122(1), 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.09.028>
- Barker, N. (2015). After the wedding, what next?: Conservatism and conjugality. In *From Civil Partnership to Same-Sex Marriage* (pp. 220-237). Routledge.
- Becker, G. S., E. M. Landes, and R. T. Michael. (1977). An Economic Analysis of Marital Instability. *Journal of Political Economy*, 85(6): 1141-1188. [\[Doi:10.3386/w01531\]](https://doi.org/10.3386/w01531)
- DeAnda, J. S., Langlais, M. R., Anderson, E. R., & Greene, S. M. (2021). Examining Children's Problem Behaviors and Mothers' Dating for Mothers' Depressive Symptoms Following Divorce. *Journal of child and family studies*, 30(9), 2165-2179. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-02029-8>
- De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (2020). Attitudes of Young Adults Toward Marriage and Divorce, 2002-2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(1), 66-82. <https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1833292>
- Edwards, A. C., Larsson Lönn, S., Sundquist, J., Kendler, K. S., & Sundquist, K. (2018). Associations between divorce and onset of drug abuse in a Swedish national sample. *American Journal of Epidemiology*, 187(5), 1010-1018. <https://doi.org/10.1093/aje/kwx321>
- Glaser, B. G., Strauss, A. L., & Strutzel, E. (1968). The discovery of grounded theory; strategies for qualitative research. *Nursing research*, 17(4), 364.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- González-Val, R., & Marcén, M. (2017). Divorce and the business cycle: a cross-country analysis. *Review of Economics of the Household*, 15, 879-904. <https://doi.org/10.1007/s11150-016-9329-x>
- Hald, G. M., Wimmelmann, C. L., Øverup, C. S., Cipric, A., Sander, S., & Strizzi, J. M. (2023). Mental health trajectories after juridical divorce: Does personality matter?. *Journal of personality*, 91(2), 426-440. <https://doi.org/10.1111/jopy.12737>
- Parker, G., Durante, K. M., Hill, S. E., & Haselton, M. G. (2022). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current opinion in psychology*, 43, 300-306. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2021.07020>
- Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine*, 352, 117005. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005>
- Kanter, J. B., Proulx, C. M., & Monk, J. K. (2019). Accounting for divorce in marital research: An application to growth mixture modeling. *Journal of Marriage and Family*, 81(2), 520-530. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/jomf.12547>
- Karaagac, B., & Owolabi, K. M. (2023). A numerical investigation of marriage divorce model: Fractal fractional perspective. *Scientific African*, 21, e01874. <https://doi.org/10.1016/j.sciaf.2023.e01874>
- Kessler, S. (1975). The American way of divorce: Prescriptions for change.
- Leopold, T. (2018). Gender differences in the consequences of divorce: A study of multiple outcomes. *Demography*, 55(3), 769-797. <https://doi.org/10.1007/s13524-018-0667-6>
- Ågarne-Lindberg, T. (2010). *Grown-up children of divorce: Experiences and health* (Doctoral dissertation, Linköping University Electronic Press).
- Mohandes, L., Javid, H., Barzegar, M., & Sohrabi, N. (2023). The Causal Model of Post-Divorce Adjustment Based on Personality Characteristics Attachment Styles, Perceived Social Support with the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation. *Quarterly Journal of Psychological Methods and Models*. Winter, 13(50). <https://doi.org/10.30495/jpmm.2023.26603.3251>
- Mosadegh, H., Darbani, S. A., & Parsakia, K. (2023). The mediating role of sexual satisfaction in the relationship between personality traits and emotional divorce in men. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(4), 191-202. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.4.4.11>
- Nelli, J., Mansur, A., Hardani, S., & Aida, I. N. (2023). The Immorality of a Husband as the Cause of a Working Wife to File for Divorce Lawsuit in Indonesia. *JURIS (Jurnal Ilmiah Syariah)*, 22(1), 119-132. <http://dx.doi.org/10.31958/juris.v22i1.7392>
- Smock, P. J., Tzoc, K., & Carr, D. (2023). Gender and the economic consequences of divorce in the United States: Variation by race and ethnicity. *Journal of Family and Economic Issues*, 1-19. <http://dx.doi.org/10.1007/s10834-023-09940-w>
- Stokkebekk, J., Iversen, A. C., Hollekim, R., & Ness, O. (2019). "Keeping balance", "Keeping distance" and "Keeping on with life": Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Children and Youth Services Review*, 102, 108-119. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.04.021>
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research* (Vol. 15). Newbury Park, CA: sage.
- Tosi, M., & van den Broek, T. (2020). Gray divorce and mental health in the United Kingdom. *Social science & medicine*, 256, 113030. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113030>
- Wiseman, J. P. (1975). An alternative role for the wife of an alcoholic in Finland. *Journal of Marriage and the Family*, 172-179. <https://psycnet.apa.org/doi/10.2307/351041>